



# کلید پیشرفت حمایت از فرهنگ و تحقیقات علمی است

یکشنبه هفتم مرداد ماه ۱۳۵۸

## انقلاب ما باید با تحول در فرهنگ جامعه به غنای تازه ای از مضمون و محتوی دست یابد

نویسنده: علی اصغر حاج سید جوادی

بزرگترین وظیفه مادر پیروزی انقلاب توجه به ضرورت دگرگونی فرهنگی و علمی و هنری کشور است. این ضرورت از سه نظر مورد توجه حیاتی است:

نخست اینکه زیربنای اصلی هر تحول اجتماعی و اقتصادی برای ایجاد یک جامعه فعال و خلاق و متکی به خود ظرفیت علمی و فنی و هنری آنست.

جامعه ما در صورتی میتواند از صورت مصرف کننده کالاها و تکنولوژی خارجی بی نیاز شود که خود بتواند تولید کننده تفکر علمی باشد. برای ایجاد خود کفائی نسبی در زمینه تفکر علمی راهی جز ایجاد و شرایط مناسب علم آموزی و تحقیق و بررسیهای علمی و کاوشهای تجربی در دانشگاهها وجود ندارد.

کشورهای وجود دارند مثل سوئد و سوئیس که فاقد منابع طبیعی و ثروتهای زیر زمینی هستند اما این کشورها از صادر کنندگان اصلی تفکر علمی می باشند. کشورهای دیگری نظیر آمریکا و فرانسه و آلمان و شوروی هم دارای بزرگترین و طیفه مادر پیروزی انقلاب توجه به ضرورت دگرگونی فرهنگی و علمی و هنری کشور است. این ضرورت از سه نظر مورد توجه حیاتی است:

نخست اینکه زیربنای اصلی هر تحول اجتماعی و اقتصادی برای ایجاد یک جامعه فعال و خلاق و متکی به خود ظرفیت علمی و فنی و هنری آنست.

جامعه ما در صورتی میتواند از صورت مصرف کننده کالاها و تکنولوژی خارجی بی نیاز شود که خود بتواند تولید کننده تفکر علمی باشد. برای ایجاد خود کفائی نسبی در زمینه تفکر علمی راهی جز ایجاد و شرایط مناسب علم آموزی و تحقیق و بررسیهای علمی و کاوشهای تجربی در دانشگاهها وجود ندارد.

کشورهای وجود دارند مثل سوئد و سوئیس که فاقد منابع طبیعی و ثروتهای زیر زمینی هستند اما این کشورها از صادر کنندگان اصلی تفکر علمی می باشند. کشورهای دیگری نظیر آمریکا و فرانسه و آلمان و شوروی هم دارای

منابع هستند و هم بخاطر توجه شدید و فراوان به تحقیقات علمی و کارشهای تجربی هم صادر کننده تفکر و اندیشه علمی و فنی هستند و هم فروشنده تکنولوژی و کالاها و صنایع هستند و نه مولد اندیشه و تفکر علمی.

کشورهای هم هستند که نه دارای منابع هستند و نه مولد اندیشه و تفکر علمی.

و سرانجام کشورهایی هستند که دارای منابع طبیعی فراوانند و به همین علت در روابط استعماری و استبدادی فاسد هم کالاها و تکنولوژی را از خارج وارد می کنند و هم مصرف کننده تفکر علمی و فنی بیگانه میباشند.

کشور ما در دوران سلطه استبداد و استعمار بیگانگان از جمله این کشورها بود که در برده های سالیانه دولت کمترین سهم از آن علوم و دانش های بشری بود.

دوم اینکه منابع طبیعی ما مخصوصا مخازن نفتی منابهی لایزال و ابدی نیستند و خواه ناخواه و دیر یا زود این منابع پایان می یابد و در آن روز مادیرگ پولی برای خرید ما به احتیاج مصرفی و صنعتی و کشاورزی خود از خارج نخواهم داشت.

پایان می یابد - سوم اینکه توسعه آزادی و پیش سیاسی و اجتماعی در جامعه رابطه ای مستقیم با گسترش منابع فکری و علمی و هنری و فنی جامعه دارد. توجه به آموزش علمی و فنی و مخصوصا کیفیت آن این امکان را بوجود می آورد که راه حل های اجتماعی و اقتصادی جامعه بدست کارشناسانی بقیه در صفحه ۲

### این مضحکه بود یا داوری؟ تناقض در تصمیم گیری دادگاههای انقلاب

دادگاه انقلاب اسلامی دکتر شیخ الاسلام زاده وزیر بهداری دولت هویدا را محکوم به حبس ابد کرد. این رأی با توجه به آرائی که همین دادگاه درباره سایر متهمین مضطرب شیخ الاسلام زاده صادر کرده بود به مضحکه بیشتر شباهت دارد تا داوری.

مقصود ما این نیست که دکتر شیخ الاسلام زاده نیز میبایست حتما محکوم به اعدام شود. مقصود ما اینست که اگر آرای دادگاه انقلابی بر اساس ضوابطی است چرا این ضوابط یکسان و به عدالت بین متهمین اعمال نمیشود. اعمال خلاف وزیر بهداری هویدا به چه وجه کمتر از اعمال خلاف افرادی نظیر دکتر عاملی تهرانی و دکتر اکبر تهرانی و دکتر بهداری و پرویز نیکخواه و سبهد جهانپانی و خلعت پری و دانشی و دیگران نبود.

واژ سوری دیگر اهمیت دکتر شیخ الاسلام زاده بعنوان یک وزیر و همکار نزدیک هویدا و مورد توجه دربار با تمام جنایاتی که کرد بعنوان یک متهم کمتر از افراد نامبرده نبوده بنابراین چرا آنها را سرعت محاکمه و اعدام کردند و ایشان را ماهها در زندان نگهداشتند؟ ضعف ویی پایگی دلایل دادگاه انقلابی در محکومیت دکتر شیخ الاسلام زاده به حبس ابد در زمینه موارد مظلمه کمتر از دلایل دادگاههای فرمایشی نظامی دادوسی ارتش رژیم سابق درباره اتهامات مبارزان سیاسی در موارد مشابه آن نبود.

و اینهم نشان می دهد که شاهین تر از وی عدالت و دلاوری دادگاه انقلابی به وضوح در تأثیر نفوذ و تبعیض رنگ می زند. در اینصورت مردم حق دارند از خود پرسند که صلاحیت دادگاههای انقلاب و کیفیت کار آنها در قضاوت و رسیدگی به جرائم سیاسی در کجا و چگونه مورد نظارت قرار می گیرد و مردم چگونه و بوسیله چه مرجعی میتوانند این گونه تضادهای آشفتنه با تبعیض و بیعدالتی را مورد اعتراض قرار دهند؟

## به کجای می رویم؟

تعارضات منطقی یا غیر منطقی در کار حکومت - سرنوشت دولت فضیلت و تقوا چه خواهد شد؟ - آیا انقلاب ما فقط علیه فساد و استبداد شاه و اطرافیان بود یا به منظور درهم ریختن نظام ارزشهای رژیم گذشته و جانشینی نظام و نهادهای تازه اقتصادی و اجتماعی؟

### اسلام کاظمیه

رهبران هر یک از ساندنیت و فنی فاتحه وارد شهرها کردند در مطلب را اعلام کردند. یکی اینکه رهبر هر یک از خطاب به مردم نیکتر از آنکه در روز نوروز خط گفته دوران خورشیدی تمام شد و دوره عرق ریزی را برای ساختن جامعه ای نو پیش داریم. دیگر اینکه به مردم مردم هشدار داد که هیچکس را انقلابی بانه نخوانند کشت.

این دو فرمان قاطع حکایت از تصمیم یکپارچگی و سازمان و تشکیلات در جهت مقاومت نیکتر از آنکه میبکند این یکپارچگی و سازمان و تشکیلات و نیرو که امکان تصمیم و عمل را به وجود میآورد چیزی نیست جز سبانه مبارزه و طول زمان جنگ و قدرت سازماندهی که طی سالهای مبارزه و دورود و خرابی کم کم به وجود میآید. مبارزان هر دوران جنگ و گریز دوستان و دشمنان خود را میباشند. هر مقابل دشمن مشترک ایستاد و هر طرف سبانه ها و وابستگی های خصوصی را کنار می گذارند. پیروزه ها و هر گونه ما و بی تصمیم ما هر دو طرفی جنگ از راه روشن بزمیباشند و نخله ها و مخالفان با مبارزه مداوم با آن نفس می افکند و یا تصفیه میشوند و از بین میروند مردم و

بقیه در صفحه ۷



در اصل سزدهم پیش نویس قانون اساسی تصریح شده که: «دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری است...» من چندی قبل در روزنامه اطلاعات نوشتم: «قانون اساسی جمهوری اسلامی باید متعکس کننده مفاد قرآن کریم باشد که اساس و بنیاد اسلام را بخوبی نشان میدهد و قرآن مجید نام آئین حضرت ختمی مرتبت (ص) فقط «اسلام» قید شده که: (ان الذین عندنا الاسلام) و برای پیروان آنحضرت فقط نام «مسلمین» انتخاب گردیده است که: (هوسامکم المسلمین) بنابراین روانیست که مادر قانون اساسی خود، نام شرعی و قرآنی و خدائی را کم و زیاد نمائیم مگر نه اینکه نامگذاری خدا بهترین نامگذاریها است؟ و خداچیز اسلام و مسلمین نامی در قرآن بر این آئین و پیروانش ننهاد؟ بعلاوه، آتروزی که ما از مردم برای جمهوری اسلامی رای گرفتیم بقید «اسلام بودن آن» همه رای دادند و گرنه لازم بود «جمهوری شیعی» مطرح شود و نه اسلامی. و البته در انصورت بسیار رای نمیدادند پس از آن در شماره گذشته «جنبش» ملاحظه گردید که آقای دکتر ناصر کاتوزیان که از قرار معلوم کاندیدای مجلس خبرگان از سوی روحانیون هستند آنچه من و امثال من نوشته ایم اعتراض کرده اند و بعنوان دلیل بر مدعی خود (مبئی) برافزودن نام شیعه به اسلام در قانون اساسی (مرفوع داشته اند: «قانونی از مجلس میگردد و نکاح منقطع و فرزندان ناشی از آنرا مشروع اعلام میکند درباره عول (که بلفظ حول چاپ شده) و تعصب (که بلفظ تعصب چاپ شده) در ارت قواعدی وضع میکند که باشیعه موافق و باسنی مخالف است. سه طلاق را با یک عبارت نمی پذیرد، وصیتنامه به سودخویشان را نافذ میدانند و مانند اینها. تکلیف این احکام در شورای نگهبان چیست؟ آیا این قواعد خلاف احکام اسلام است یا موافق آن؟...» در پاسخ

مصطفی حسینی طباطبائی  
**دین رسمی کشور در پیشنویس  
قانون اساسی**  
پاسخی به آقای دکتر ناصر کاتوزیان

از مولود با یکدیگر اختلاف دارد تا بدانجا که مثلا یکی از مراجع فعلی در توضیح السائل خود مرفوع فرموده اند: «باید دانست که اجراء حدود در زمان غیبت خالی از اشکال نیست (توضیح السائل محشی، صفحه ۵۸۱)» چنانکه ملاحظه میفرمائید این فقیه بزرگوار شیعی، اساسا عقیده دارد که قوانین جزائی اسلام در دوره غیبت امام زمان نباید اجرا شود خوب اینجا جناب آقای دکتر کاتوزیان چه میفرمایند؟ چه باید کرد؟ آیا فقهائیکه هر کدام هفتاد سال مباحثه و مطالعه کرده اند تارای وفتوائی بدست آورده اند حاضر می شوند که دست از فتوای خود بردارند؟ و رساله هارا جمع کنند و همگی به یک حکم گردن نهند؟ همان حکمی که شورای نظارت و مجلس مسلمین تعیین می کند؟ اگر اینطور است تا آنجا که من اطلاع دارم سنی ها هم حاضرند دسته های کارشناس قانونی و فقهی از طرفین انتخاب شوند و بنادکره و شوری، احکام اختلافی را وحدت بخشند پس دیگر چه دستاویزی داریم که نمیخواهیم به نام قرآنی و خدائی و شرعی «اسلام» اکتفا کنیم و علاوه بر وحدت مسلمین ایران، رنگ جهانی و اثر وسیع به نهضت مقدس خود در دنیا اسلام بدهیم؟ مشکلی که درباره «عیدها و عزاهای اسلامی» نیز بنظر جناب آقای ناصر کاتوزیان آمده دشوار نیست زیرا اسلام پیش از عهد رسمی (فطر و احشی) نداشته و ندارد و دستور روزنامه گذاری نیز برای ماه رمضان نیاورده، هرچه تاکنون شده و می شود مربوط به آداب و رسوم و علائق خود مردم است و با حفظ اسلامیه شوراهای محلی می توانند درباره این عیاد و رسوم در هر منطقه تصمیم بگیرند (وجه بهتر که اصالت گزائی را از یاد نبرند) و این امر هیچ ملازمه ای با افزون نام یک فرقه به «اسلام» در قانون اساسی ندارد.

آقای کاتوزیان عرض می شود که اولاً چه مانعی دارد اینک که رژیم کشور ما تحول یافته مانیز کمی متحول شویم و تعصب شیعی و سنی را تقلیل دهیم و بجای پیروی از فقه جامد و نامتناسب با زمان، حل اینگونه اختلافات را به شورای نگهبان که کارشناسان دقیق اسلامی باید باشند بسپاریم تا آنها با رجوع به کتاب خدا سنت پیامبر (ص) و با در نظر گرفتن احوال و مقتضیات مردم این روزگار، به اختلافات مزبور پایان بخشند؟ ثانیاً گویم که این اختلافات حل ناشدنی بودند و گویم که قرار است تا قیامت ما گرفتار این اختلافات قانونی و فقهی باشیم! و بفرس که در هیچ زمانی و با هیچ تحولی نباید از موقع استفاده کرد و باین اختلافات پایان داد! ولی این چه ربطی با افزون نام یک فرقه به «اسلام» در قانون اساسی دارد؟ و چه مانعی در کار است که دین همه ما اسلام باشد ولی هر فرقه ای (نه در حقوق عمومی بلکه) در احوال شخصی، تابع فقه و مذهب خود باشد؟ اساسا مگر مجلس شورای وظیفه دارد که درباره نکاح منقطع و عول و تعصب قانونگذاری کند؟ از این گذشته مگر قوانین

مذکور تاکنون تدوین و تصویب نشده و در ایران هرچله عمل و اجراء درمی آیند که اکنون مشکل جدیدی ایجاد کرده و اکتفا به نام «اسلام» در قانون اساسی همه ضوابط را بهم می ریزد؟! اگر مقصود اینست که چون به حساب آماری، شیعیان از سنیان در این کشور بیشترند و بنابر این لازم است که نام شیعه در قانون اساسی ذکر شود معلوم است که قانون اساسی جایگاه حساب آمار و محل انعکاس سرشماری نیست، قانون اساسی جمهوری اسلامی باید نام و عنوانی را انتخاب کند و براتین رسمی کشور نهاد که در کتاب اسلام یعنی قرآن مجید برای مسلمین برگزیده شده است و این یک امر روشن و بدیهی است که نمی دانم چرا برای برخی قبول آن دشوار می آید؟

ثالثاً فرض میکنیم که به نام «اسلام» اکتفا نشود و شیعه را نیز باین بیانزائیم ولی در اینجا نیز همان اشکالات آقای دکتر کاتوزیان پیش می آید! زیرا فقهاء و مراجع تقلید شیعه متعدد هستند و هر گروه از مردم از یک مرجع، تقلید می کنند و آراء و فتاوی این مجتهدان نیز در بسیاری

بسرده شود که در داخلی کشور و با استفاده از تحقیقات علمی و تجربی دانشگاهی تربیت میشوند و در نتیجه توجه به علوم و دانش ها و تحقیقات علمی جریان مداومی از مبادله و تماس بین دانشگاهها و موسسات علمی و آزمایشگاهها آزمایشگاههای با جامعه و زندگی و شرایط اجتماعی مردم بوجود می آید و مردم در مسیر این جریان فرهنگی و علمی و به سطوح بالاتری از ادراک و بینش اجتماعی و سیاسی می رسند. وضع اقتصادی و صنعتی و کشاورزی ما هنگامی میتواند بر اساس شرایط اقلیمی کشور سامان پذیرد و به گونه ای از تکامل مداوم تدریجی که لازمه ادامه حیات آنهاست متکی باشد که جامعه ما از فرهنگی پویا در کلیه زمینه های علمی و فنی و هنری برخوردار شود.

فرهنگ باید برای زنده ماندن از فضائی حیاتی برای تغذیه برخوردار باشد زیرا پیشرفت و تکامل جزء لاینفک فرهنگ است. قبول این اصل از شرایط اصلی تداوم خلاق و پویائی هر انقلاب و جنبش سیاسی برای رهائی از اسارت جهالت و جمود است. با توسل به هیچ اصل وهیچ مذهب و مسلکی نمیتوان این ضرورت را نادیده گرفت و یا از خواست آن بنام مخالفت با ایمان و عقیده چماق تکفیر ساخت. قبل از هرگونه تعصب نسبت به گسترش فرهنگ باید به یک قانون و ناموس طبیعت اندیشید که هر جامعه ای بایباید خودش را با شرایط تحول و تغییر تطبیق دهد و یا از بین برود و بصورت مصرف کننده بنیوا و محکوم فکر و فرهنگ بیگانه درآید در اینصورت ضرورت تحول و تغییر نیاز به فرهنگی خلاق و پویا دارد. فرهنگ خلاق بدون یک برنامه مشخص در همه سطوح برای گسترش ظرفیت علمی و تحقیقاتی سازمانهای آموزشی و گسترش آموزش هنری در مدارس و ایجاد فضای مناسب فعالیت برای هنرمندان و صاحبان استعداد امکان ندارد. یکی از مسئولیت ها و وظایف مهم انقلابی ایجاد شرایط مساعد برای پرورش و شکوفائی استعداد در سنل های جوان است. پرورش استعدادها باید با ضرورت گسترده ترشدن کیفی فرهنگ در سطوح مختلف علمی و فنی و هنری همراه باشد یعنی هرگز نباید از اعتقادات مذهبی موانعی برای گسترش فرهنگ بمعنای وسیع و شامل کلمه بوجود آورد. در دنیائی که آرکستر فیلامونیک شورلین فرانسه در تالارهای موسیقی شهر پکن و شانگهای برنامه

باید با تحول در فرهنگ جامعه به غنای تازه ای از مضمون و محتوی دست یابد، بدون تحول در شیوه تفکر و کیفیت احساس و روش عمل نمیتوان به این غنا و ارزش معنوی در متن انقلاب دست یافت. وسعت بخشیدن به عمق فرهنگ از راه افزایش ظرفیت کیفی علمی و تحقیقی دانشگاهها و مدارس و آموزشهای هنری میر است. مسئله بستگی به اصولا اعتقادی و مذهبی را نباید با بازگشت به عقب و ماندن در مواضع فکری گذشته اشتباه گرفت. اسلام بزرگترین مذهب تحقیق و تأمل و مطالعه و جست و جوی در اسرار طبیعت و بالا بردن ارزشهای معنوی انسانی از راه تحقیق و تجربه می باشد. تفکر علمی اسلامی تفکری پویا و دینامیک است زیرا نسبت سلامت و صحت هر فرهنگ بسته به میزان پویائی آن در هماهنگی با شرایط و ضرورتهای تحول و تغییر است. وظیفه ما تنها حفظ میراثهای فرهنگی و ذخایر معنوی و مادی علمی گذشته هامان نیست بلکه وظیفه بزرگ دیگر ما غنی تر کردن این میراثها و افزودن پرورشهای تاریخی است. هیچکس منکر ارزشهای فرهنگی گذشته ما مخصوصاً در قلمرو اسلامی نیست و تاکید بر حفظ این مولریت نیز از وظایف ماست زیرا تشخیص هویت قومی و ملی و مذهبی ما مربوط به این مولریت است لذا بخشی مهمی از این ارزشها و حفظ کار بردهای تجربی آن بستگی به حفظ پویائی و قدرت هماهنگی آن با ضرورت ها و شرایط تازه تحول دارد فرهنگ تاریخی ما محصول برخورد تمدن های مختلف و معلول برخورد جریانهای گوناگون اندیشه و تفکر بشری است. در هیچ جای دنیا فرهنگی وجود ندارد که بخاطر بسته بودن منافذ حیاتی و تاثیر ناپذیری خود همچنان زنده و خلاق باقی مانده باشد. هر

باینجهت است که وظیفه اساسی دولت توجه فراوان به وضع دانشگاهها و ایجاد یک سازمان مجهز علمی و تحقیقاتی در سراسر کشور است. به این ترتیب بسیاری از اقلام بودجه و اعتبارات در مسیر این هدف باید جایجا شود و دانشگاهها و موسسات علمی از وسایل و امکانات لازم برای گسترش کار و برنامه های تحقیقاتی و آموزشی خود برخوردار شوند و در این راه دچار مکاتبات زائد اداری و سرگردانی و مذاکرات خسته کننده بوروکراتیک شوند. این هدف باید از سواد آموزی بمعنای واقعی به توده های مردم تاترتیب کادری متخصص علمی و فنی و هنری را در برگیرد تا دانشگاهها بتوانند با استفاده از امکانات کار تحقیق و بررسی های علمی و آموزشی و تربیت کادری تخصصی خود را شروع کنند. از این طریق است که میتوان بنظر سایر ممالک پیشرفته صنعتی حتی مسائل گوناگون اجتماعی و اقتصادی و صنعتی و کشاورزی و بهداشتی و غیره را به دانشگاهها واگذار کرد و جامعه را بصورت آزمایشگاهی برای دانشگاهها و دانشگاهها را بصورت وسیله ای برای حل مسائل پیچیده اجتماعی و اقتصادی جامعه در آورد. ارزش فرهنگ، در متن انقلاب ما باید بدرستی شناخته شود و رهبران انقلاب باید این حقیقت دریابند که شاخص معنوی و مادی هر جامعه کیفیت فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ در گسترش و تکامل شخصیت مردم جامعه نقش حیاتی دارد. فرهنگ عامل اصلی تحولی اجتماعی و توسعه و پیشرفت است، بدون تحول اساسی در طرز تفکر انسانها و درک و تلقی آنها از زندگی و آزادی پیشرفت و تحول اجتماعی میر است: انقلاب ما

**کلید پیشرفت  
حمایت از فرهنگ و  
تحقیقات علمی است**

بقیه از صفحه اول

اجرا می کنند جامعه ما نمیتواند از توسعه هنر در سطوح مختلف آن بی نیاز شود و بنام مسائل اعتقادی از گسترش و توسعه بخش عظیمی از فرهنگ یعنی هنر در جامعه جلوگیری کند و استعداد های آماده را از قسمتی از حقوق انسانی خود و جامعه را از بخشی از فرهنگ خویش محروم نماید. این نکته را باید یادآوری کنیم که حمایت از اصل تحقیقات علمی و فرهنگی در کشور احتیاج به حمایت از مغزها و جلب و نگهداری استعداد های دارد که در این مسیر تربیت شده اند و اکنون در داخل و خارج کشور سرگردان و پراکنده یا بدون استفاده مانده اند و با هترواستعداد علمی و هنری خود را در خارج مصرف می کنند. رژیم سابق یکی از آثار شومش فرار مغزها به خارج و یا کارگذاشتن آنها در داخل کشور بود.

جنبش منتشر کرده است  
**دفترهای انقلاب  
مجموعه دفترهای  
سیاسی جنبش**  
نوشته:  
علی اصغر حاج سیدجرایی

**آرش**  
صاحب امتیاز: فاطمه نراقی  
با نظر شورای نویسندگان  
سر دبیر: اسلام کاظمیه  
صفحه ارثی از: حبیب مفتون  
نشانی: غرب تهران - خیابان فرصت  
شیرازی - تقاطع با اسکندری  
شمالی - شماره ۱۵۵  
تلفن ۹۱۳۳۱۸

# دنیای سوم و امنیت غرب

# من صدای منم آی...

طه حجازی «ح. ارزو»

ما نباید به کسی فرصت تفتیش عقاید بدیم  
ما نباید چپق تفرقه و توطئه را،  
بار دگر...  
بعضی الظن اثم ولا تحسبوا...  
«قران مجید»

ما نباید به کسی فرصت تفتیش عقاید بدیم  
ما نباید چپق تفرقه و توطئه را،  
بار دگر...  
بعضی الظن اثم ولا تحسبوا...  
«قران مجید»  
من صدای منم آی...  
ای مجاهد مردان!  
کار ما شاید این باشد  
که پلی از پیغام  
بین یاران صمیمی بزنیم  
تا صدای شب قطعی هرگز  
نتواند پا یاد...

ما مسافر هستیم  
روزها در پرواز  
شامها فکر سفر  
تا نفس تازه کنیم  
اسم شب را هم می دانیم  
اما...  
شب نوردی نکیم  
شهری،  
کار خفاشان است  
پیشه‌ی دائم جلدان،  
مزدوران،  
ما به عرفان صدای هستی  
آشنایی داریم...  
و به معراج پییمز  
ایمان...  
همصدایی بکند  
و پرستوها و تیهوها...  
لقمه‌ی چرب کسانی نشوند  
که چنان زالوها،  
خون پاک همه را می نوشند...  
مصلحتی بکند  
سوی تزویر و زرو زور  
و سازندگی مسجد زرین «ضرار»  
من نمی گویم باید همه را بست به توپ  
من نمی گویم باید به شیخون زدن عادت  
بکنیم  
من صدای منم آی...  
سنگها بسته  
و سگها به شکار  
عده ای هم به فرار  
ای رفیقان هشدارا  
شب سفلیسی دارد

ما مسافر هستیم  
روزها در پرواز  
شامها فکر سفر  
تا نفس تازه کنیم  
اسم شب را هم می دانیم  
اما...  
شب نوردی نکیم  
شهری،  
کار خفاشان است  
پیشه‌ی دائم جلدان،  
مزدوران،  
ما به عرفان صدای هستی  
آشنایی داریم...  
و به معراج پییمز  
ایمان...  
موش ها داخل سوراخ ندانستن و جهل  
منتظر مانده که رجعت بکنند  
سوی تزویر و زرو زور  
و سازندگی مسجد زرین «ضرار»  
من نمی گویم باید همه را بست به توپ  
من نمی گویم باید به شیخون زدن عادت  
بکنیم  
من صدای منم آی...  
سنگها بسته  
و سگها به شکار  
عده ای هم به فرار  
ای رفیقان هشدارا  
شب سفلیسی دارد

ما مسافر هستیم  
روزها در پرواز  
شامها فکر سفر  
تا نفس تازه کنیم  
اسم شب را هم می دانیم  
اما...  
شب نوردی نکیم  
شهری،  
کار خفاشان است  
پیشه‌ی دائم جلدان،  
مزدوران،  
ما به عرفان صدای هستی  
آشنایی داریم...  
و به معراج پییمز  
ایمان...  
از غرب خلیج  
رو بسوی «من» و «تو» می آید  
بادبانها را بریا بکنید  
و مسافرها را...  
کلاشان است ای مجاهد مردان!  
آواز دهید...  
باد می آید باد  
ای رفیقان امداد...  
تهران - ۱۳۵۸/۵/۱

لوموند مؤرخ ۱۷ مه ۱۹۷۹  
استیتو مطالعات استراتژیک لندن عقیده دارد که نا  
بایستی دنیای سوم امنیت غرب را تهدید مینماید.  
لندن - گزارش سالانه در موضوع اوضاع جهانی،  
استیتو بین المللی مطالعات استراتژیک لندن  
(ی.اس.اس.اس) خاطر نشان میکند که نا بایستی روز افزون  
دنیای سوم مسئله امنیت غرب را در ده سال آینده مورد  
سؤال قرار میدهد، که برای ممالک صنعتی، مربوط است  
به تأمین بنسبت آوردن منظم مواد اولیه که موضع مناسب  
اقتصادی، ثبات داخلی و موقعیت سیاسی شان بسته به  
آنست. بنا به عقیده استیتو مزبور، حوادث ایران  
مشکلاتی را نشان میدهد و گزارش تأکید میکند که  
وقایع را نباید حالت اتفاقی و منحصر دانسته و به عدم  
تعادل برچورد آمده از مدرنیزاسیون در یک جامعه سنتی،  
خطر قطع تولید کسورهای اقتصاد آنها اقتصاد تک  
مجموع است. آسیب پذیری قدرت داخلی، جذابیت ایده آل  
اساسی آنهاست که نمیخواهند یا نمیتوانند با یک  
مدرنیزاسیون سریع منطبق شوند احاطه داد  
بدون شک اتحاد شوروی از انقلاب ایران «سوی»  
برده است ولی خطاست اگر مسئولیت این انقلاب را متوجه  
اتحاد شوروی کنیم.  
بنا بر نظریه استیتو فوق الذکر، غرب باید از این  
انقلاب درس بگیرد بدو با تجدید نظر در روابط سیاسی و  
اقتصادی خود با ممالک تولید کننده مواد اولیه در جهت  
اینکه منافع این ممالک بهتر و بیشتر بحساب آورده شود.  
اگر کم کردن تولید باید روند مدرنیزاسیون ثبات تری را  
تأمین نماید، اگر نگهداری و ذخیره انرژی بهتر میتواند  
ثبات داخلی را فراهم نماید نفع بلند مدت ممالک مصرف  
کننده در این است که از این سیاست حمایت شود.  
استیتو مزبور در گزارش خود تأسف میخورد از  
اینکه غرب بدون توجه تمیز با تمام تقاضاهای تسلیحاتی  
مدرن افکار کنندگان دنیای سوم موافقت نبوده است و  
اهمیت توسعه یک طبقه متوسط و مشارکت این طبقه را  
در دولت گوشزد مینماید. در این باب استیتو متأسف است  
که آمریکا نتوانسته است شاه را بهتر انروز دهد و او را  
وادار به تغییر شکل رژیم خود بنماید.  
بالاخره استیتو لزوم تعاون و همکاری وسیعی بین  
ممالک غربی را تأکید میکند و میگوید هیچ دولت غربی  
به تنهایی نمیتواند مسئله امنیت را که از جهت نا بایستی  
دنیای سوم تهدید میشود حل کند در حالیکه به موضوع  
رفتار فرانسه نسبت به آیت الله خمینی اشاره مینماید.  
خطر دست زدن به مزایده که از طرف بعضی ممالک  
برای تأمین امتیازاتی برای خود در راه تسکین کفایت تهیه  
مواد اولیه بعمل میآید مانع میشود که غرب بتواند جواب  
مؤثری برای این مسئله پیدا نماید.  
بنا بر عقیده استیتو، خروج چین از انزواتی که بخرد

## افراط و تفریط در کار دادگاههای انقلاب

چند روز پیش یکی از قضات دادگستری قزوین بکار دادگاه انقلاب آن شهر و احکام  
صفره آن پشت اعتراض کرده و برقر اطلاع افرادی که به نصب اراضی شهر قزوین و  
همکاری نزدیک با ساواک متهم بودند و از این جهت فرزند معروف خاص و عام با معرفی  
خود به دادگاه انقلاب قزوین بهوراثت آزاد شدند. فرحالی که بیکاهاتی کم بودند فرزند که  
بدون دلیل بحکم حسین دادگاه محکوم به اعدام شدند و حکم دم فوله آنها اجرا شد و همچنین  
افراد که بدون دلیل ترفیع و تجمیع شدند و یا همچنان در توقیف و تجمید هستند راهی افراد  
بسیار بهی خاصین اراضی مردم و همکاران ساواک آنگهان با افساس و گشت عریز  
سوی دادگاه صفره بود که حتی منجر به اعتراض مردم و فریاد آنها در قزوین شد چلی بسی  
تعمیر است که دادستان کل و مسئولین مرکزی دادگاههای انقلاب نسبت به این گونه خاصه  
خرجی های اعلتت گرچه این خاصه خرجی ها منحصر به دادگاه انقلاب قزوین نیست

## توقیف به سبک ساواک

توقیف نسیم خاکسار شاعر و عضو کانون نویسندگان و زندانی رژیم سابق نیز مثل  
توقیف برخی دیگر همچون سعادت به سبک ساواک انجام گرفت.  
بدون حکم قانونی محکمه و بدون اجزیه ملاقات و بدون اجزیه اعتراض قانونی. ما  
هر رژیم استبداد گشته می نوشتیم این نوع توقیف ها نشانه دو چیز است اول بی اعتنایی  
کامل رژیم به حقوق انسانی و ثانی افراد و دوم ضعف رژیم بقدر امکان فراتر  
اگر نسیم خاکسار مرتکب جرمی شده است چرا دولت یا دادستانی انقلاب خرمستگرمی  
فر را با مولود جرمش برای اطلاع مردم منتشر نمی کند. بهمان کاری و توقیف افراد بطور  
مخفی نیز جرم است ولی از مرتکبین این جرم بکجا باید شکایت کرد؟

### بحث و انتقاد

#### جنبش

جلسات بحث و انتقاد جنبش  
به مناسبت ماه رمضان به مدت چهار  
هفته تعطیل است و از هفته اول  
شهریور ماه روزهایی چهارشنبه  
تشکیل خواهد شد.

### کتابخانه

سازمان جوانان جنبش در محل  
کلوب شماره ۱ در کور تلوک یک  
کتابخانه است. دوستان با اهدای کتاب  
به غنی شدن کتابخانه و استفاده خود  
و دوستانشان کمک خواهند کرد.

### حکایت

#### همچنان

#### باقی است...

نوشته:

علی اصغر حاج سیدجوادی

### دیوارها

#### سخن

#### می گویند

#### تصاویری از

#### یادبودهای انقلاب

# بحث و انتقاد

## اسلام کاظمیه: قبول عام آیت ال

## مبارزات و نحوه برخورد ایشان

## دکتر لاهیجی: سعادت بیاید دریک

## حقایق را درباره او بگوئیم.

## دکتر کاتوزیان: مالکیت دراسلا

## دکتر محمدی: تشتت و تقسیم قدرت یعنی

کنند. باید با طرح برنامه های جدید خودتان را با برنامه نیرو با آنچه امید و عشق به وطن و خدمت به آن، خدمت گرفت. نیروی لایزال آنها استفاده جست و بر اثر ایجاد رقابت، آنستند از کارمندان دولت را که هنوز باره های از عشق بکار در آنها باقی مانده است، به جدیت در کار و خدمت بازگرداند هم اکنون به خاطر میسر، در تبدیل بسیاری از صنایع نظامی به صنایع زمان صلح چه کرده ایم و چه طرحی داریم؟ باین کارخانجات چه ها که نمی توان انجام داد و چه تولیداتی که نمیتوان داشت. فقط آدم های متخصص و کارساز و آشنا به فن لازم دارد. آنها که در کنار تخصص اگر ایمان به انقلاب دارند که چه بهتر و اگر ندارند تحت نظر مسئولین صاحب عقیده بکار گرفته شوند. ایران مستقل، نیرومند و آزاد فرآ وایسته به تقسیم لژ راه کجی بدست گرفتن و بدون مطالعه از بوجه بدین میسر نیست در اجرای چنین برنامه ای باید اصل عدم تمرکز را نیز از نظر دور نداشت و بجای آنکه دوباره سازمان عرض و طول برنامه مامور طرح آن گردد و بدون شناخت مسائل شهرستانها تمرکز برای آنها برنامه بریزد و فاجعه چندین سال پیش را مجدد پدیدآورده باید کار شهرستان ها را با توجه به حفظ تمامیت ارضی کشور و در حدودی صحیح به خودشان ها سپرد. مثلا برای پدید آمدن فرهنگ ساختاری در بزرگ در تریز، در شیراز و دیگر نقاط دیگر کشور صدها سال لازم بود و این امر چیزی نیست که بدست تازه از فرهنگ برگشته هانی که پای از تهران بزرگ بیرون نگاه داشته اند سپرد. اگر لازم است اینها باید به محل بروند و در آنجا از نزدیک مسائل مردم را بشناسند. آنها در بدست نسبتا طولانی و نه ماموریت بگفته ای.

توانستند. پاسخگویی افرادی باشند که از ۴ سال قبل برگ پیش پرداخت در دست دارند. میدانیم که از یکسال پیش در بعضی از بخشهای تهران فقط کنار آمدن کابل و اتصال و برگردان آن از پستی به پست دیگر تحویل تلفن را به مشترکین امکان پذیر میسازد از ابتدای اسال در این راه چه کرده ایم. در این وزارت خانه چند ساعت در روز کار میشود؟ یکی از دوستان میگفت: اینجا هم کم کاری زاننده تراکم کارمند است یا لعجب از این منطقی؟ به مدیران بگوئید که کم کاری زاننده عدم مدیریت و عدم پیش بینی و نداشتن طرح و عدم استفاده از اختیاری است که مردم به آنها داده اند. اختیاری که از آنکه در اعتقاد و ایمان و کارآیی و مدیریتشان بقیق شوند به آنها داده شده است در جواب مردم سخنگوی همین وزارت خانه از توقیف سوره یک کمپانی غارتگر صحبت میکند. به جناب وزیر پست و تلگراف باید عرض کرد که معیار انقلاب چیزی سوری مقررات و قراردادهای با مرسته های با کمپانی خارجی است. کار را باید از سه ماه پیش شروع میکردید و بموازات آن وضع کار کمپانی خارجی را روشن میساختید.

شما چگونه به خود اجازه میدهد که کار را احتمالا بدست غارتگران بین المللی بسپارید. مگر اینها قرار داد بسته بودند که برای ماتکسین نیز تربیت کنند و بکار بیاورند؟ چه شد؟ برای ملت مایک راه منطقی باقی است با نیروی خود و با شعور و فرهنگ قنی خود راسا کار را شروع کند و هرگز اجازه بگردد که این شاراتانها را نهد با مرسته زانین متخصصین گروهی جاسوس و خدمتگزاران سرویس های جاسوسی به کشور ما وارد میشوند. میسوریم که پیش از یکصدت دیزل موتور باید نصب گردد. باید گوش کرد که اینکار با کمک مهندسین خرمغان و تکسین های خرمغان انجام گردد و نه با متخصصین اروپایی. حتی اگر چند ماهی و یا سال دیرتر بپردازیم هم بهتر است. اما متأسفانه چنین نیست. خارجیا حتی آمده اند.

دو طرح تولید المده که باید مولژی با بسازی فعلی تهیه شود باید خدمات شهری، حمل و نقل، پست بپردازند و شبکه تلفن و تلگراف راه آهن با معیار روز، شبکه برق و نیرو رسانی و تامین بهداشت هگنی منظور گردد همه کس میدانند که شبکه فشار ضعیف و قوی برق مادرانی چه ناقص اصولی است. همین شبکه بدست دولت شهرستان را اگر بخوابیم درست کنیم باید آن را جمع کرد و از توزیع و سلب و پیش بینی های قنی طرح و اجرا کرد. اینها همه کار است و آقای وزیر مسئول بوجه هم که حریصا معتقدند که در کار عمرانی باید صرفه جویی و سخت نمیشود. اگر اینکارها که یکدم آنچه است که باید عملی شود شروع شود خریدید دید که دیگر تمرکز کارمند مامورین ندارد. بدین است که یک سوال بپرسیم: میسوریم آیا این قوه اجرایی قوت هم قدر است که بکارمند قزیر کار ورود بگردند. حقوق در مقابل انجام وظیفه. اگر چنین بود بسیاری از کارمندان طول مدت خدمت روزان خود در ۱۰ تا ۱۲ ساعت نوبه که آنها صرف نوشیدن چای شود.

بمنورن دوستان صدیق اما صریح از دولت انقلاب میسوریم چند از امکاناتی که در اختیارشان بود استفاده بپردازد. جناب آقای نخست وزیر در یک برنامه تولید المده، دولتی که صنایع بزرگ را در اختیار دارد باید کار ایجاد

عسری موثر در انقلاب خود می باشند. نه تنها از نیروی لایزال آنها استفاده خواهد شد تا سازندگی شروع شود بلکه آنها در ابتدای شروع زندگی اجتماعی و سیاسی خود مردم کشور خود را از نزدیک خواهند شناخت و به نحوه زندگی، عقاید و نیازهای آن ها آشنا خواهند شد. چنانچه شهری ما در این حرکت می آموزند که تفاوت بین زندگی شهری و دهات چیست؟ و از نزدیک درک خواهند کرد که ریشه دردهای ما در کجاست. مسائل اصولی ما چیست و تا چه حد محدودیت برنامه های رادویر تلویزیون که تنها درد روشنفکران است جدی است؟ اما دیدیم که مثل اینکه این تمایل در قوه اجرائیه بود که خردشان برنامه را طرح کنند و اجرای برنامه را از تهران رهبری کنند. تمرکزی که ما در طول چندین ده سال اخیر زیان هایش را دیدیم. اما بهر حال امیدواریم که قلمهاتی که در زمینه های برنامه کوتاه مدت برداشته شده است استوار باشد و بازمان سر برتر گردد. مهم عملی گردیدن آن است و طرح آن از جانب چه کس و چه مرجعی مطلبی دارای اهمیت درجه بود.

ایجاد کار آنچه در دوران سازندگی انقلاب مطرح است و اولویت دارد ایجاد کار است، بهر شکل و به هر قیمت، باید کاری ریشه کن شود تا تامین بوجه مسئله تراکم بندان دولت، بررسی طرح های موجود و یا نیمه تمام که باید. صحتشان مورد بررسی مجدد قرار گیرد با توجه به امکان های مالی ما، اخذی و باز دهی قلیل دیوان سالاری ما بالاخره نارسائی طرح های نیمه تمام ما، از اهمیتی درجه دو برخوردار است.

یکی از دوستان میگفت که هنوز در رسیدگی به برنامه های ترافیکی و برداشتن مشکلات در این راه با سرهتی در حرکتیم که رسیدن به راه حل های میانه و موقت در دید نیست. بنابراین این سوال ما است: در زمینه ترافیکی چه راه حل موقتی داریم و چرا قدرت تصمیم گیری نداریم. بیاد بیاوریم که در هفته گذشته در همین جا گفته شد که قوه اجرائیه در دوران اوج گیری و رسیدن به مرحله نهائی سیاست خود باید از قدرت و نیرو برخوردار باشد یافتن یک راه حل برای ترافیکی شهرها که در آن هیچ فرد یا جمعی در حرکت و در نظرش محدود نشود. تخیلی است و از واقع بینی دور است. یک راه حل نسبتا صحیح را اختیار کنید و با قدرت آن را به مرحله اجرا گذارید.

گهگاه از مسئولین و دست اندرکاران دولتی میسوریم که توازن بوجه و نشان ندانند کسری از اهمیت نیست باید برخوردار باشد، چرا؟ مگر بوجه دولت دخل و خرج یک تجارتخانه است؟ مگر پول در گردش و کسری بوجه چقدر بر روی هم موزند؟ برای اظهار چنین نظری به توازن بوجه کشورهای قدرتمند و ثروتمند نظر انداخته اید؟ تازه چرا با کسی استخراج بیشتر نفت برای مدتی محدود مخالفتیم؟ آقای وزیر مسئول اگر میفرمائید که نفت برای نسل آینده باید بماند صحیح است اما اگر این اسماک شما بسط و توسعه بیکاری و لطمه خوردن به نهفت و باآمال به استقلال کشور ما شده آنوقت چه؟ فرزندان ما باید در ایران بهره مند از استقلال زندگی کنند تا بتوانند از منابع طبیعی آن استفاده جویند، نیون اولی عملی شدن خراسته دوم را متنی میسوزد.

یکی از دلایلی که افراد مسلح تمام روز در خیابانهای شهرهای گروستان راه میروند بیکاری است. بیکاری بزرگترین دشمن انقلاب و انقلابیون است. بجای آنکه انقلاب را به وزارت بفرستیم تا اگر تا کتون بیطرف هم برده است از حالا با دریافت حقوق و وقت زیاد در خدمت ضد انقلاب به شایعه پراکنی پردازد باید کار خلق کرد و از او کار کشید. باید از این افراد و همه آنها که قبل از سن قانونی بزرگ شده اند در چهار چوب عقیدتی و فکری انقلاب کار گرفت. حجم کارهای انجام شده باید چند برابر شود. آنها با سرعت بیشتر و در مدتی کوتاهتر.

در گذشته کوتاخر از بیست سال دیدیم که پولهای صرفه جویی شده از جانب دولتی را کسبی خرج کردند. راهی را میسوریم که بیکار عدم صحتی را آزمایش کرده ایم.

بنابر دلائل ارائه شده آینده نگری و اعتقاد و ایمان به اینکه نسل حاضر اجازه بیرون کشیدن و خرج کردن تمام ثروت های زیر زمینی نسل آینده را ندارد صحیح است. اما این فکر نیز صحیح است که باید آینده ای برای نسل بعدی که در آن بزرگی و نوگرایی خارجی چون گذشته معمول نباشد، استقلال داشته باشد تا با فکر خود و با نیروی خود از این منابع استفاده کند. بپردازن ما نیز برقی مستقل شدن ما خدمت کردند. اگر ترفیق همیشه رفیق آنها نبوده اما حس نیت در این امر را داشتند.

در مورد اجرائیه یک طرح کوتاه مدت در کار تهیه و بالا گفته شد باید لزوم که مثلا وزارت پست و تلگراف چرا در هر محله تهران یک اداره پست محلی میسازد و اینکار را در شهرستانها تعمیم نمیدهند. تلفن مسئله است که از ۷۵ سال پیش در کشورهای اروپایی از بدیهات و مسائل حاشی است. چرا هنوز در دارالافتاد کسور

جلسه بحث و اقتصاد و مسائل روز جنبش مانند همیشه در ساعت ۶ روز چهارشنبه سوم مرداد در کلوب شماره یک تشکیل شد. ابتدا آقای نایب حسینی اعلام داشت که بنسبت ماه مبارک رمضان چهار هفته جلسات بحث و انتقاد تعطیل میشود و اولین جلسه آینده ما پس از ماه رمضان روز چهارشنبه هفتم شهریور خواهد بود.

حرکت سیاسی دکتر محمدی در مورد مسائل روز شروع به صحبت کرد و چنین گفت:

جنبش نظر کلی خود را در مورد دولت و نقش آن در ادامه انقلاب در هفته گذشته بیان داشت و از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که:

در شرایط انقلابی کشور ما همه باید بدور امام حلقه زینم و از نظرات ایشان طرفداری کنیم. همه معتقدیم که دستگاه رهبری نهضت باید وحدت خود را همچنان گذشته حفظ کند زیرا سر موقبت در وحدت مردم و تمامی گروه های تشکیل یافته از آن هاست.

همچنین در هفته گذشته گفتیم که دولت منتخب از جانب رهبریت نهضت باید بیشتر از پیش از اختیار و اعتمادی که به او ارزانی شده است استفاده کند و در این راه دولت هفته ای که گذشت قدمی جدی برداشت و پس از مشاوره با امام کوشید تا تمام نیروها را در دست یک ارگان متمرکز کند چون درک کرده است که تشتت و تقسیم قدرت یعنی ضعف نهضت. همین نیت عده ای از اعضای دولت انتخاب شدند تا در شورای انقلاب شرکت کنند و از عده ای از اعضای شورای انقلاب دعوت شد تا در دولت پستی بعهده گیرند. اما گویا دولت در این اقدام خود توفیق کافی نداشته است. عدم شرکت اعضای دعوت شده از شورای انقلاب در وزارت خانه های مربوطه دلیلی بر این امر است و گویا یکی دو نفر از وزرا نیز که باید در شورای انقلاب شرکت میسورند راهی بدان نیافته باشند. قطعا این حرکت سیاسی و دیپلماتیک جناب آقای نخست وزیر حرکتی مدبرانه بود که قبلا روی آن فکر کافی شده بود ولی در اجرای آن همه ارگانها یکدلی نشان ندادند.

حالا چه باید کرد؟ آیا دولت در وضع فعلیش می تواند قدمهای سریعتر و موثرتری برای حل مسائل روز بردارد؟ جواب آنستکه در صورت داشتن برنامه و با طرح فوری آن چنین توفیقی محصور است. این طرح باید طبق معمول شامل یک طرح کوتاه مدت و طرحی برای مدت طولانی باشد.

در تمام کشورهاییکه انقلابی را پشت سر میگذارند چه صاحب یک شبکه مدرن حمل و نقل باشند و یا دارای راهها و جاده های کافی نباشند. بلافاصله در سلوچه خود برنامه جاده سازی و اتوبان های وسیع را مطرح میکنند زیرا برنامه ای است که می تواند فوراً شروع شود و ضمناً مورد تأیید کلیه جناح های موثر در انقلاب باشد. زیرا این برنامه دارای رنگ سیاسی نیست، و از طرف کلیه گروهها علی رغم سلیقه های متفاوت مورد قبول واقع می شود و راهی برای انتقاد ناهجا باقی نمیگذارد.

در دو ماه پیش جنبش در موقعیتی که پدید آمد در این مورد برنامه ای در کنفرانس استانداران عرضه کرد که شامل ساختن فوری جاده های درجه سه و چهار که دهها را به مرکز دهستان ارتباط میدهد بود.

در این پیشنهاد درخواست شد که با پرداخت حداقل حقوق لژ مین پرستی و شور انقلابی جوانان محلی استفاده شود و حتی از روشی نو و سهل در این مورد استفاده شود که آن نیز اسفالت سرد نام نهاده اند. بدین است روشی نو و باآسبه کم خرج که نحوه اجرای آن در حوصله این جلسه نیست. بعلاوه در همان جلسه پیشنهاد شد که در تمام دهات اطاق بهداشت برای تزریقات اولیه ساخته شود. راه آهن را در نقاطی که زیر سازی شده است تمسیم و گسترش داد. از شش هفته برای سواد آموزی در دهات استفاده جست و بالاخره از کلیه جوانان و دانشجوین

در یک برنامه وسیع برای سوره جینی و حمل آن، برای درد و خرمن کردن استفاده کرد. در آن جلسه گفته شد که این برنامه هر چه زودتر تا تب انقلاب در جوانان فرو نشسته است باید عملی شود. در همان جلسه معاون جنبش نخست وزیر در طی پیشنهاد خود از راهی طولانی تر که در جهه و جلوی خود لرزش جوانان در ده و دهستان را داشته حرکت را آغاز کردند. به خاطر دارم که در آن جلسه تذکر داد شد که اگر چنین نیز آغاز کنیم باید کارها بموتی شروع شوند و نیازی به پشت سرم قرار گرفتن برنامه ها و کارهای بسازی نیست. در پیشنهاد جنبش در نظر گرفته شده بود که دولت بوجه لازم در حداقل راه در رستان در اختیار جمعی تشکیل یافته از معتمد محلی، استانتار و رئیس دادگستری استان بگذارد تا حرکتی کالی در کار باشد و اجرائیه برنامه کوتاه مدت حلیه بیکاری در گروه مقررات است و بانک قرار نگردد. در همین برنامه گفته شد در زمینه کشاورزی فوراً در حاشیای قنات کوشا باشیم و در این رابطه چه کسبی بهتر از اهالی محلی. توضیح داده شد که گروستان دانش آموزان سالهای پایان دبیرستان و دانشجوین به دهات نه تنها به آنها خواهد آمد و

# در مسائل روز

## طلاقانی مربوط به شخصیت و سابقه

### دادگاه عادلانه محاکمه شود تا بتوانیم

### م چگونه است و چه شرایطی دارد؟

### ضعف نهضت

شیرا کراسی

او نسبت به مسائل و طرز تفکر رای دهنده را نیز از انتخاب کاندیداهای می شناسیم. حالا بطور است که آتاله طالقانی در میان کاندیداهای شما هستند و کاندیدای تقریباً تمام گروههای دیگر نیز هستند؟

- این مربوط به شخصیت و سابقه مبارزات و بصیرت دید و طرز عمل خود آتاله طالقانی است که مزاج امور سیاسی و اجتماعی و ملحق گروههای مختلف میتوانند باشند.

- سوال شده است که در رای گیری رفتارندوم در بعضی حوزه ها دیدیم که بعضی ها خطاب به رای دهندگان ساده مفلا می گفته اند حلازاده ها رای سبز و حرامزاده ها رای قرمز و مخالف می دهند آیا این درست است؟

- هم درست است و هم غلط پیش عقل و منطق این طرز تبلیغ کار غلطی است و در محیطی که سطح مکالمه تبلیغاتی ساده است کاری درست مری می که دهها سال، پنجاه سال دوره پهلوی و ده هزار و پانصدسال دوران شاهنشاهی و زور و سرکشی و بیگانهگری بوده اند و وقتی آزادی به دست می آورند از نقطه ای کسی بالای صخره یا در بعضی لوقات زیر صخره فروغ به عمل می کنند. این مربوط به طرز عمل هیگانهگری گفته است. اما وظیفه دولت انقلابی و گروهها و دسته ها و احزاب اجتماعی است که فرهنگ آزاد زستن و سرکشی و زور و خوردها مسائل را در قالب این فرهنگ تبلیغ کنند تا به مرور این قبیل تبلیغات و این قبیل برخوردها مسائل خود بخود جای اظهار نداشته باشد.

اکنون تشکیل احزاب و گروههای صلو چندگانه خود از جایگاه فرهنگ اجتماعی و سیاسی در سطح وسیع می دهد و با اوضاعی روبرو هستیم که نوبه آن رساله های بعد از شهریور ۱۳۲۰ و قرار و سلطان با هر شروع مبارزات دکتر مصدق رساله های پیش از ۱۳۲۰ دیده ایم بایستی زمان مناسب بگذرد تا این گونه مسائل در سطح وسیع اجتماعی خود و در برخورد با آنها و سرگرا بیک مردم با مسائل خوشبین به صورتی منطقی فرآید.

فای دکتر لاهیجی یکی از کاندیداهای مجلس خرمگان پست میگردون قرار گرفتند و گفته اند سه سوال بود یکی را دوست آقای دکتر کاتوزیان جواب می دهند چون مربوط به رشته تخصصی شان می باشد اما دو سوال دیگر

می گویند که این وکالت را با هر قدر مدعیان مردم که این دادگاه تشکیل نمی شود تشکیل نموده شد چرا که چون اطمینان مردم که مسائل بسیاری مطرح خواهد شد و کسانی که به هیئت قضایای من در زمان طاقتور آشنایی دارند می تواند در جواب آن طرز مسائل را مطرح می کند اما فکر به کیا رسیده اند و چه حدی محاکمه چند نوبت با هیئت انقلاب و وزیر دادگسری کسی گرفتند که عقیده اول گفته که بعضی رای ملاقات و مطالعه پرونده و بعد از آن هر چه هم مدعیان گفته که حلا شروع بود چون ثابت شد.

آخرین بار دو روز قبل به آقای هادی تلفن زدم که ترتیب ملاقات مرا بدهد گفتند مامنی نیست. گفتیم بنویسید حکمی صادر کنید. گفتند حکم در شان شما نیست. گفتیم: تشخیص شان با خودم است لطفا حکم را صادر کنید گفتند بگذارید ملاقات کنم. فهمیدم شان در کجاست؟ تلفن زدنم پرریوز ظهر تلفن زدم گفتند مامنی نداره گفتیم بگوئید فردا صبح با مادر و همسرش به زندان اوین می روم.

دروغ صبح رفتیم چه دیدیم؟ بماند. حصار چه دیدیم؟ بگوئید

چ: رفتار فرق الهامه ناشایسته بی احترامی من با انوار عامورین از عامورین ساواک و ارتش دوران امروز تا به پهلوی برخوردارم ولی تاکنون اینگونه بی احترامی به من نشده بود بماند دقیقا یکساعت تری خوابان زیر آفتاب استعالم جرابی ندانند قطع گفتند صبر کنید.

گفتم با آقای هادی تماس بگیرد که ما مجاز به ملاقات هستیم یا نه؟ گفتند نمی گیریم ما برگشتیم امروز هم که دوازدهمین روز قبولی این وکالت است نه خود آقای سعادت را دیدم نه پرند ایشان را. سگرت دولت را نمی توانم دولت سلب مسئولیت از خود کرد و حالا آیا می تواند و می شود که دولت در این مساله از خود سلب مسئولیت کند؟

می: در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته شده اگر مردم بکاندیداهای آنها رای ندهند از حکم خدا و رسول

خدا سرپیچی می کنند و اگر چنانچه این حرف بگوش افراد ساده دل برسد چه خواهد شد؟ و چه بلای سر مجلس خرمگان می آید؟

چ: امیدوارم این موضوع درست نباشد. مسئله تقلید را در جلسه گذشته بیان کردم دیروز خواندم عدای گفتند وقتی مراجعی لیستی می دهند در قیود است چنین چیزی نیست. تقلید بر دو نوع است. تقلید مندرج و تقلید مشهور. تقلید مندرج یعنی اشخاصی که دارای تدبیر و تفکر نیستند دنباله روی کسی می شوند این برخلاف تصور قرآن است که مردم را از پیروی یک فکر و یک شخص در جهتی که خودش تفکری ندارد منع میکند.

تشخیص حکم شرعی که مردم نمی توانند از روی ادله استنباط کنند از روی رسالت تقیه مشخص میشود که حکم شرعی در مسئله حادث را میگوید بنابر این اگر قیومی لیستی منتشر کرده که این افراد به نظر من کاندید هستند برای هر جمع و مجلسی این نظر شخصی است و هیچ حکمی برای تقلیدش صادر نمیشود فتوی در زمینه مسائل شرعی است.

می: همه میگویند سعادت جاسوس نیست. پس بطور آزاد نمی شود؟

چ: بعضی مواضع نسبت به آقای سعادت در این چند روز عوضی شده امروز هم با من مصاحبه ای شده بنظر من سعادت بیگناه است در دادگاه ملت ایران ثابت خواهد کرد بعنوان یک حقوقدان می گویم در هر نظامی اگر یک دادگسری بیطرف و یک دادگاه منصف وجود داشته بدانید که حق و قانون در آن نظام حکومت خواهد کرد اگر با ایجاد شایعه و با برانگیختن اعتقاد مردم مردم را علیه یک گروه بشورانند بقینا دادگاه نمیتواند بی طرفانه قضاوت کند. این پیشنهادورها را کنار بگذارید. ایجاد دو گروه کردن در یک جامعه صحیح نیست. آمدیم سعادت را گناهکار باشد چرا باید جامعه دو شقه بشود یک گروه بگوید احکام باید گردد و گروهی دیگر که آزاد باید گردد. یک دادگاه صلاحیتدار باید بگوید احکام یا آزاد بشود غیر از این هر چه باشد بی انصافی و بی عدالتی است.

محدود بودن مالکیت

آقای دکتر کاتوزیان یکی دیگر از کاندیدای جنبش به چند سوال جواب دادند.

می: درباره مسأله مالکیت نوشته اند که: عده ای از مجتهدین نظرشان اینست که مالکیت محدود است و عده دیگری از مجتهدین عقیده دارند که مالکیت نامحدود است و گفته ای هم نظر وسط را دارند (که البته مالکیت نامحدود است یا نامحدود و حد وسط ندارد) سوال این جانب این است که اگر در مورد مسئله باین اهمیت اقتدر اختلاف برداشت و استنباط وجود داشته باشد تکلیف اینهمه مسائل اجتماعی چه میشود و ارتباط این مسئله را بر سرنوشت مجلس خرمگان و قانون اساسی پاس آور نمی بیند چه باید کرد؟

چ: من ناچارم مقداری مسئله را فنی و حقوقی کنم و در اسلام ما دو نوع حکم داریم حکم لولی و حکم ثانوی. حکم لولی یعنی شارع موضوعی را می بیند اولین حکمی را که می کند و در تمام موارد عام جز در موارد

استثنایی اجرا میشود. حکم ثانوی حکمی است که با توجه به اوضاع و احوال خاص که در جای خاصی مطرح میشود آن حکم لولی را محدود می کند و می گویند حکم ثانوی بر حکم لولی حکومت می کند.

به حکم لولی هر کسی میتواند ترویجی بدست بیاورد و در اموال خود هر طور که بخواهد تصرف کند حدیث الناس مسلطون باموالهم در این مورد صدق است.

اما حکم ثانوی هم در مورد اموال هست. از صدر اسلام که جزو اختراعات حقوق اسلام است همان مسئله محدود بودن مالکیت است که در حقوق اروپا از قرن نوزدهم شروع شد وقتی تعریف مالکیت را در حقوق اروپا نگاه میکنیم مطلق بودن یکی از اوصاف مالکیت است. بعد در اثر نفوذ افکار سوسیالیسم و اجتماعی شدن حقوق این عقیده مورد تردید قرار گرفت.

آیا حق مفهومی فرعی است و کسی که صاحب حق است در چگونگی استفاده از آن آزاد است یا نه حق است که جامعه به یک گروهی در مقابل گروهی دیگر میدهد و در مسیری که تعیین شده قابل استفاده است صاحب حق میتواند از آن استفاده کند تا جایی که بدینگران صدمه ای نزند.

بعنوان حقوقدان افتخار میکنم که در اسلام به مسئله نامحدود بودن و نسبی بودن آن حق به مسائل اجتماعی توجه شده است.

فاستانی است بر عری که درخت خرما پیش را در منزل شخص دیگری بود و هر وقت ناهنگام برای آب دادن و وزن شاخه هایش به آن منزل میرفت و صاحب خانه نزد پیشمیر شکایت برد و پیشمیر سه بار به صاحب درخت تذکر داد که یا درخت خرما را بصاحب خانه بفروشد یا خانه را بفرد. یا طوری از مالکیتش استفاده کند که مزاحم دیگری نشود ولی هر سه بار صاحب درخت به از حدیث الناس مسلطون باموالهم استفاده کرد و هیچ راهی را نپذیرفت و پیشمیر در آخر دستور داد درخت خرما پیش را بکنند و در کوچه بیندازند و گفت چنین مالکیتی در نظر من محترم نیست اگر بخواهد از این مالکیت به ضرر اجتماع استفاده برد بیکم ثانوی آن را محدود میکنم.

دو نفر که باهم پیمان می بندند باید به آن احترام بگذارند اما اگر یکی از این دو نفر در این معامله سر دیگری کلاه گذاشته باشد و مفیوش کرده باشند بعنوان حکم ثانوی و قاعده لاضرر از حق لولی آن را نسخ کند.

اصل حدیث و اصل بنای خود مالکیت در حقوق اسلام از این قضاوت است منتهی در مقام تفسیر و توسعه دادن این حدیث بعضی از فقهاء ادعا کردند که محدودیت مالکیت در مورد مالک خصوصی است و بعضی که روشن بین تر بودند اعتقاد دارند که محدود کننده مالکیت در بین اشخاص و جامعه است بنظر من در اسلام این درست تر است. اگر مالکیتی بتعلق اجتماع ضرر بزند باید محدودش کرد. از مالکیت برای از بین بردن مصالح اجتماعی نمیتوان استفاده کرد و باید قانون اساسی پیش بینی کند که حدود مالکیت را با توجه به وضع اجتماعی قانون و مجلس تعیین نماید.

اخلاق و رسوم در جوامع مختلف متفاوت است. در یک جامعه قورباغه را میخورند و لذت هم میبرند و در جایی دیگر آنها را مسخره میکنند. یک شهری وقتی وارد خانه ای میشود کفشش را در نمی آورد ولی یک معاشی درسی آورد ولی همین شهری وارد سینما که میشود کلاش را برمیدارد ولی یک معاشی برنمیدارد. آداب و رسوم در حال تغییر است و مسائل نسبی است میتوان مسئله وجود دارد که در قانون نیست و کار اصلی حقوقدان آنجاست که در یک مسئله اجتماعی که حکم خاصی وجود ندارد با بکار بردن قیود خاص و ایجاد خاص حکمی بکار برد.

شما نگران نباشید مجلس شورامفسر این قاعده است. نمایندگان ملت هستند که باید تشخیص بدهند کجا حکم لولیه یا قاعده لولی تغییر دارد.

ما حق تشریح بطور قاطع و محدود نسل آئینه را محدود کنیم ولی می توانیم شرایط را در اختیارشان بگذاریم شرایطی که مسائل اجتماعی را در زمان خط که می: اصل مسأله در اسلام معنی ندارد مالکیت از آن خلاص است؟

چ: مالکیت مال خلقت ولی کسی باید روی آن کار کند من طولی کرچگر از آن سهم که اعدا کم اسلام را می شناسم این نوع اظهار نظر کردن در مسائل اسلامی درست نیست ظالم را چنانکه احساس کنید در روشن بینی و جهان بینی اسلامی وقتی منشأ همه چیز از خلقت ولی و کسی به خلق خدا سرزده باید رابطه آن را تنظیم کند.

می: در مالکیت لولی تردید نظر اسلام چیست؟

چ: در لولی تردید اظهار نظر نکردم در اسلام هر جا که مالکیت حق در لولی تردید و خلاف اجتماع باشد چاره را میگوید از نظر ماکسیم که مالکیت در لولی تردید بطور کلی باید رفع شود در همه جوامع قابل اجرا نیست. جامعه خاصی میتواند اسلام بپذیرد البته ما باید با روشنگری ایجاد کنیم که جامعه امروز چه اصحاب طرده و طغیان فریبی ما چه؟

## شهادت علیرضا خرمی

آقای میر علی خرمی طی نامه ای به ابیت اله امام خمینی که رو نوشت آن را برای ما فرستاده است شکایت دارد که فرزند ۱۶ ساله اش بنام علیرضا خرمی در روز دوشنبه ۵۸/۲/۱۱ بدون دلیل در محرحه دانشگاه به ضرب گلوله پاسداری بنام رضا مراد خانی یا جانبی مراد خانی کشته میشود. این پدر شکایت نزد کمیته و دادستان انقلاب میرود که بدون اثر بوده است. ناچار به دادگسری مراجعه میکند و دلسرا دستور توقیف ضارب را صادر میکند. طیحا کمیته از تحویل قاتل استنکاف مینماید. میر علی خرمی کارمند دانشگاه و ساکن دانشگاه است و پسر مشارالیه در محرحه دانشگاه یعنی در منزل پدرش بوده است.

## شاه سابق و سوموزا

طبق گزارش خرمگرایا منابع رسمی در دانشنگن اعلام کردند وزارت خارجه آمریکا احتمالاً در اسب فرستادن جاری آمریکا مسأله ابراج سوموزا و رئیس جمهور فراری نیکاراگوئه را بررسی خواهد کرد آمریکا طبق این گزارش مجلس است قضای استرله سوموزا را بدلیل جنایات اقتصادی و نه سیاسی یا دولت بسیار مورد بررسی قرار داد.

با توجه به این مسأله چرا دولت ایران استرله شاه سابق را بدست جنایات اقتصادی و معاصره ثروت های سرشار او را که ملت ایران مالک حقیقی است مورد توجه قرار نمی دهد؟

شاه ایران ظوری ثروتی است که ملک طلق مردم ایران است و چه همین ثروت انباشته ای خود بهترین دلیل جنایاتی است که جلا مطرح هر باره مردم ایران مرتکب شده است ایات مالکیت مردم ایران بر این ثروت با اطمینان دقیق و محرز که در مورد مردم در مراجع قضایی بین قضایی کار محوری نیست. چرا وزارت خارجه مسأله استرله ثروت شاه سابق و همچنین استرله بعضی او را بعنوان یک جنایتکار مورد توجه قرار نمی دهد؟

ما باید به افکار عمومی کشورمانی که برپای لابی شده در بانکها و موسسات آموخا ظهور شده است بگوئیم که هیچ جنایی اجاره نمی دهد که میلیاردها دلار ثروت یک ملت ظلمت شده به این صورت مورد استرله و برود می دیگران قرار گیرد و مالکیت و سرودن در اختیار یک جنایتکار فراری بماند.

### طب ملی و مشکل بهداشت و درمان

قصد بر این بود پس از اتمام سلسله مقالات مشکل بهداشت و درمان طرح مورد نظر که راه حل بوده مطرح نمایم که طرح وزارت بهداشتی و بهزیستی بعنوان طب ملی انتشار یافت و کمی وقت برای اظهار نظر موضوع بحث امروز را به آن اختصاص داده و در ادامه آن نظر نهائی را اعلام می نمایم. در طرح پیشنهادی برنامه هائی در مورد بهداشت - آموزش و خودبهداری مردم مطرح گردید که آرزوی توفیق مجریان را داریم و مطلبی نیست که نیاز به اظهار نظر داشته باشد و آرزو کنیم عوامل لازم برای اجرای چنین برنامه های سنگین در اختیار وزارت بهداشتی باشد و روزی برسد که ملت ثمره اجرای آنرا لمس نماید و از حدود شمار خارج گردد.

آنچه در این طرح پیشنهادی جلب توجه می نماید سه مطلب است که عبارتند از الف: تامین خدمات بهداشتی و درمانی از طریق شبکه های بهداشتی به کلیه افراد مملکت اهم از روستائی و شهری

ب: بخش خصوصی بر اساس ضوابط تعیین شده به فعالیت خود ادامه خواهد داد و مصادره نخواهد شد

پ: رابطه مالی بین طبیب و بیمار نخواهد بود و کلیه هزینه های بهداشتی و درمانی را دولت پرداخت خواهد کرد با مطالعه زیاد جدیدی بر آنچه معمول بود در این طرح نیافتم تا جمله طب ملی را توجیه نماید. زیرا چنانچه منظور ارائه خدمات از طریق سیستم شبکه های تندرستی باشد، مطلب جدیدی نیست و سال ها است که در ایران مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و در سال ۱۳۵۵ نمونه اجرایی آن بصورت عمل گذاشته شد و سپس جزء برنامه وزارت بهداشتی قرار گرفت و در سال ۱۳۵۶ در کلیه استانهای ایران اجراء گردیده است. طرح شبکه و ارائه خدمات از طریق آن اصولاً ارتباطی به ایران نداشته و وسیله ایست که از طریق سازمان بهداشت جهانی برای کشورهای درحال رشد توصیه شده تا بتوانند از این طریق از کادر کمی (بهدار - بهداشتیار) بدلیل کمبود طبیب استفاده نمایند و کتابهای زیادی در این مورد در ایران ترجمه و یا نوشته شده است و همانطور که گفته شد در کلیه دبستانهای ایران مرحله اجراء درآمده البته نه

باندازه نیاز بلکه بر حسب امکانات آن استان ها، زیرا ضمن مطالعاتیکه در سالهای گذشته انجام گرفته است برای پوشش کلیه سطح مملکت تعداد ۸۵ الی ۹۰ شبکه تندرستی که هر یک پوشش ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر را خواهند داشت و محدوده جغرافیائی معینی را که از سطح روستا تا مرکز استان را دربر خواهند گرفت مورد نیاز است. هر چنانچه آقای وزیر انقلاب در مصاحبه تلویزیونی فرمودند که از سه هزار خانه بهداشت که در ۵ سال اولیه میخواستیم درست کنیم تعداد ۱۷۰۰ خانه موجود است و آن میرساند که طرح شبکه های تندرستی مطلب تازه ای نیست بلکه از چند سال قبل شروع گردیده و تازه این یک وسیله ارائه خدمات میتواند باشد نه خود خدمات و عنوان طب ملی به آن دادن صحیح به نظر نمیرسد. شاید عنوان طب ملی به سیستم شبکه منظور آن بوده است که افرادی که بان مراجعه می نمایند پولی پرداخت نخواهند کرد آنهم مطلب تازه ای نیست زیرا در گذشته هم همینطور عمل میشده و افرادی که در شبکه ها تحت درمان قرار میگرفتند هیچ پولی پرداخت نمیکردند. چون شبکه های مورد نیاز وجود ندارند شاید منظور آن بوده است که با تکمیل شبکه های مورد نیاز میتوان به کلیه افراد مملکت سرویس رایگان داد ولی برای این منظور بهتر است به جای شرح طرح شبکه کمبودها را کملا در استان مشخص نموده و طرح زمان بندی آن به ملت ایران ارائه شود تا اطمینان خاطر برای ملت گردد و مردم بدانند حداکثر تا چه زمانی دارای چنین امکاناتی خواهند بود.

موضوع دوم قابل بحث ادله فعالیت بخش خصوصی است که این سوال را طرح می نماید که اگر طب ملی است بخش خصوصی چگونه است. اگر چنانچه در شرایط فعلی بخش خصوصی بعلمت کمبود امکانات وزارت خانه ضروری است چرا نیاستی بیمارستان خصوصی درست گردد و فکر میکنم باز هم مدل مورد نظر جهت تنظیم طرح طب ملی تهران بوده است که بخش خصوصی دولتی امکانات نسبتاً قابل قبولی است ضمن اینکه بخش دولتی هم قوی میباشد درحالیکه همه میدانیم که در خیلی از شهرستانها و حتی استانهای بهیچوجه بیمارستان نداریم و یا اگر داریم در حقیقت بیمارستان نیستند. چون هراسختائی که چند تخت در آن قرار داده اند نمیتوان نام بیمارستان نهاد و تازه چنانچه آنها را هم به حساب آوریم آنها استانداردی که در طرح مشخص نموده اند یعنی برای هر یک هزار نفر ۱/۵ تخت بیمارستانی آیا به تعداد مورد نیاز تخت بیمارستانی در شهرستانها و استانهای داریم و چنانچه نداریم آیا محاسبه شده است که چه تعداد کمبود داریم و چه مقدار سرمایه و وقت میخواهد تا ایجاد گردد حال اگر گروهی از پزشکان مایل باشند در یکی از این شهرستان

### طرح پیشنهادی برای حل «ع» دکتر حسن بشر

## مشکل درمان و بهداشت

لازم به یادآوری است که این طرح درمانی و بهداشتی نظر و طرح شخصی آقای دکتر بشر است و با اینکه طرح طب ملی به وسیله آقای وزیر بهداشتی اعلام شده است ولی طرحها و نظریات دیگر را نیز بررسی و منتشر خواهیم کرد.

های فاقد تعداد تخت لازم بیمارستان خصوصی ایجاد حاضر فاقد امکانات بهداشتی - درمانی برای کلیه افراد نمایند چه مانعی وجود دارد که وزارت بهداشتی اجازه مملکت میبایستیم و فعالیت بخش خصوصی ضروری است نخواهد داد درحالیکه سریعاً در طرح آمده که در حال و قطعاً چنانچه بخش خصوصی آمادگی ایجاد بیمارستان را

### اعتصاب در فرودگاه

چند روز است که کارکنان اداره مهندسی الکترونیک و اداره مخابرات هواپیمائی و گروه کنترل مخابرات پرواز در فرودگاه مهرآباد دست به اعتصاب زده اند و همکاریشان در چند شهرستان نیز به آنان پیوسته اند.

تقاضای این گروه نسبتاً کوچک و با شغلی حساس تقاضاهائی برحق و قابل رسیدگی و توجه است.

از سال ۱۳۵۶ که حقوق و مزایای جمعی از کارشناسان مشابه آنان ترمیم شد تقاضاهائی برای تسایر حقوق و مزایای شغلی در مقابل کار مشابه کردند و در دوران طاغوت یکسال کار آنان امروز و فردا شد. پس از انقلاب تقاضای این کارکنان مکرر شد و پیش از دو ماه است که با تقاضای رسیدگی به درخواستهای برحق خود پافشاری می کنند ولی متأسفانه در اثر بی توجهی به درخواستها کار این دسته به اعتصاب کشیده است.

با گزارشاتی که دوستان جنبش از وضع خود و همکاریانشان به ما داده اند یقین داریم که حق با آنهاست و دولت بامختصر توجه و سرعت در تصمیم گیری اداری می توانست از رویارویی و تحمیل اعتصاب به این گروه جلوگیری کند که نکرد. امیدواریم و اصرار داریم که هرچه زودتر با توجه و برآوردن تقاضای این گروه از کارشناسان رفع تشنج شود و اعتصاب پایان یابد.

### جنبش در کرمانشاه

دوستان جنبش برای آزادی در کرمانشاه به فعالیت شربخش خود در شناسائی نهضت و مبارزه بظواهر آزادی ادامه میدهند و اعلامیه منتشره آن ها بنسبت ۳۰ تیرنشانه ای از فعالیت و کوشش آزادیخواهانه و وطن پرستانه آن هاست. جنبش توفیق دوستان را در مبارزه خود آرزو مند است.

### اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز

جنبش مسلمانان مبارز در اعلامیه ای که در تاریخ ۳۰ تیرماه ۵۸ صادر کرده است خلق قهرمان ایران و رهبران انقلاب را در باره ریشه های بحران و تهدیدها هشدار داده است و طی بررسی منطقی و مفصلی راه مبارزه با استعمار و نهادهای استعماری را نشان داده است و همچنین در همین اعلامیه ارتجاع و ویژگیهای آن را بر میسرد و درخاسته از همه فعالین و هواداران جنبش میخواهد که تمام قوا و امکانات خود را برای توضیح موضوع فوق و طرح پیشنهادها و راه حل ها در میان همه قشرها و نیروهای مبارز و رهبران اصیل ملت بکار برند.

### یک پیشنهاد برای رفع مشکل ترافیک

دولت هر برنامه ای برای رفع مشکل ترافیک تهران داشته باشد مسلماً اجرای آن مستلزم زمانی طولانی خواهد بود. پیشنهاد زیر را در رفع موقتی مشکل ترافیک ارائه میدهم. و آن اینکه اتومبیلهای سواری با نمره های فرد در روزهای فرد و اتومبیلهای با نمره زوج در روزهای زوج هفته حرکت در آیند. باین ترتیب خیابانها برای رفت و آمد اتومبیلها و تاکسی و کرایه و ماشینهای موتوری و اداری خلوت میشود. این محدودیت فقط از ساعت ۷ صبح تا ۷ بعد از ظهر کالیتهت و روزهای جمعه هم برای همه مجاز.

این روش چه بسا موجب نزدیکی دوستی همسایگان و همبستگی بیشتر آشنایان دور و نزدیک که دارای اتومبیلهای با نمرات مختلف هستند بشود و ضرورت همراهِ و همکاری برای رسیدن به هدف در آنها حس همبستگی و وفاداری بوجود آورد.

در این مورد ما با تعداد زیادی از مردم صحبت کردیم و تا بحال اکثریت قریب با اتفاق آنان با این برنامه موافق بودند. البته این پیشنهاد را در هفته اول میتوان بطور تقاضا از مردم خواست و نتیجه آنرا ملاحظه کرد. حتما وقتی مردم پایشان باتوروس بگذرد و در خلال این مدت وضع اتومبیلرانی هم بهبود یافت خود بخود محسوسات خیابانهای خلوت تر و مزایای سوار شدن باتوروس را درک خواهند کرد.

### تحصن و خواست جمعی از دانشجویان

دانشجویان دانشکده پزشکی مجتمع آموزش پزشکی شیر و خورشید سرخ طی اعلامیه ای تحصن خود را از تاریخ ۵۸/۲/۲۲ اعلام میدارند. لهم تقاضاهای آنها: استقلال مالی دانشکده و بیرون آوردن آن از دست شخصان مانند آقای باقاعلی است. در زمینه آموزشی مایلند زیر نظر مقررات آموزشی و زلوت علوم قرار گیرند و شرایط لغت تحصیل آنها مانند سایر دانشکده های پزشکی ایران باشد.

داشته باشد خیلی سریع تر ساختمان و تجهیزات آنرا به انجام میرساند شاید بعلمت اینکه روزی قصد ملی کردن بخش خصوصی را دارند اجازه داده نشود و این از انصاف بدور است که شهری نیاز به بیمارستان داشته باشد و وزارت بهداشتی خود امکاناتش را نداشته باشد چون قصد ملی کردن آنرا دارد اجازه تاسیس آنرا ندهد در حالیکه همه میدانند که بخش خصوصی هر اقدامی را خیلی ارزانتر از دولت انجام میدهد و اگر قرار شد تمام امکانات موجود بخش خصوصی روزی ملی گردد تازه تاسیس ها نیز بهمان سرنوشت دچار خواهند شد ضمن اینکه تا زمان موهور مردمیکه فاقد امکانات هستند نمیتوانند از بخش خصوصی استفاده نمایند.

مطلب سوم طرح طب ملی نفی هر نوع ارتباط مالی بین بیمار و طبیب میباشد که خیلی گنگ است زیرا در خود طرح صحبتی از زمان اجراء نگردیده ولی در مصاحبه ها گفته شده است که پس از ده سال طرح بطور کامل اجراء خواهد گردید.

بهارت دیگر این مطلب تا ده سال دیگر قابل اجراء نیست و بیماران بایستی در صورت مراجعه به بخش خصوصی حق العلاج را پرداخت نمایند، زیرا بعید بنظر میآید که وزارت بهداشتی بتواند و قادر باشد در صورت مراجعه بیماران به بخش خصوصی مثل بیماران بیمه هزینه کلیه افراد را بپردازد زیرا با وجود ۱۲ میلیون ایرانی بیمه شده از ۲۰ میلیون کل جمعیت که در حدود ۹ میلیون آن از بیمه مستقیم استفاده می نمایند، هزینه درمانی سه میلیون دیگر را که از بخش خصوصی با دفترچه بیمه سرویس میکنند در هیچ زمانی نه قبل از انقلاب و نه بعد از انقلاب نتوانسته اند هزینه ها را بپردازند.

چگونه میتوانند با این امکانات مالی هزینه ۲۰ میلیون چگونگی را طبق ضوابط به بخش خصوصی بپردازند. حال این فکر پیش میآید در صورتیکه ده سال آینده این ارتباط از بین برود چرا حالا صحبت میکنند چون طرح مسئله آنها بدون قید زمان ممکن است سوء تفاهمهایی را بوجود آورد ولی صریحاً معیون اعلام کرد که بعد از ده سال ایران قادر نخواهد بود کلیه شبکه های مورد نیاز مملکت را ایجاد نماید زیرا چنانچه امکانات مالی آنها باشد نمی توانیم نیروی انسانی مورد نیاز را در این مدت تربیت نماییم. اگر چنانچه حداقل برای هر ۸ هزار روستائی تنها یک طبیب عمومی در نظر بگیریم تعداد ۱۵۰۰۰ طبیب مورد نیاز است و اگر در هر بخش یک طبیب منظور کرده باشم از پانصد طبیب بایستی در نظر گرفته شود و اگر برای هر دو هزار ساکنین شهر فقط یک طبیب عمومی بخواهیم ده هزار طبیب برای شهرها ضروری است که در مجموع سیزده هزار طبیب عمومی بایستی داشته باشیم و چنانچه برای هر پنج هزار نفر فقط یک طبیب متخصص منظور کرده تعداد شش هزار متخصص بایستی وجود داشته باشد. نمیتوانیم آنها محاسبه کرده اند که این سیزده هزار طبیب عمومی و شش هزار طبیب متخصص با توجه باینکه آهنگ بازتستگی شدید پزشکان موجود شروع گردیده است و تازه سایر پرسنل مورد نیاز مثل پرستار تکنسین و بهیلم هم بعین نسبت بایستی تربیت گردد چگونگی در مدت ده سال ما قادر خواهیم بود به این حد نصاب که حداقل مورد نیاز برای تامین بهداشت و درمان میباشد برسیم آنها هم در نظام طب ملی که در انگلستان با آن همه امکاناتش و سایر جاذبه های دیگر بیشترین قرارهای پزشکان را نسبت به سایر کشورهای اروپائی داشته است و از طرف دیگر بایستی ملت ایران به این مسئله واقف باشند که طب ملی مثل ملی کردن بانک ها نیست زیرا در بانک پول است که ملی میشود ولی در طب کار است که ملی میگردد و اگر ملی کردن کار با سایر مسائل اقتصادی مملکت هم آهنگی نداشته باشد نمیتوان مطمئن بود که آن کار با ارزش واقعی خودش ارائه گردد و نمونه های زنده ای در این مورد حتی در کشورهای کمونیستی دیده میشود.

مثال زنده آن کشور مجارستان که برای جمعیتی کمتر از ۱۱ میلیون ۲۳ هزار طبیب دارد و تمام این تعداد در استخدام دولت میباشد ولی دولت برای رضایت ملت که سرویس دولتی را از نظر روانی کلی نمیتوانستند کلیه پزشکان دارای مطلب های خصوصی هستند و چالب اینکه در یک مورد که من شاهد بودم در مورد تقاضای بیماری یک هفته بعد وقت داده شد.

پیش نهاد این است که بهتر است وزارت بهداشتی اعلام نماید که وظیفه دولت تامین بهداشت و درمان رایگان از طریق شبکه ها است و بتدریج که در ایجاد شبکه ها پیشرفت میگردد خدمات بیمه درمانی در محدوده جغرافیائی آن شبکه لغو میگردد ولی در کنار بخش دولتی بخش خصوصی میتواند طبق ضوابطی به کار خود ادامه دهد مشروط بر اینکه پزشکائی که در بخش خصوصی فعالیت خواهند داشت بهیچوجه در شبکه ها استخدام نبرند و بیماری که در منطقه جغرافیائی یک شبکه قرار میگردد چنانچه به بخش خصوصی مراجعه نماید بایستی تمام هزینه های مربوطه را خود متعهد گردد.

مبارزان رهبران خود را میباید و رهبران هر کوره داغ مبارزات به محک لیاقت و شایستگی میخورند. مبارزه سازمان میباید برنامه و طرح اجتماعتی خود را بپایند کند و مبارزه و انگیزی از جمله ای که بدین پیروزی خواهد ساخت به دست میآورد و علامان و مجریان برنامه ها نیز معلوم میشوند.

این سرگذشت مبارزه های است که در طرف دهر او مصمم هستند و مشکل و در نتیجه طول زمان جنگ با اینکه نفاق و خرابی بیشتری دارد آینده روشن تری را برای فاتح جنگ به دست میدهد. این سرگذشت مبارزه ای است که حرف آن در ساد و فحشاء و زهد و مصرف و عیاشی چنان فرق نموده باشد که از نیروی پشتیبان خود میزان ایمان و عقیده و مقاومت و پافشاری آن بی خبرمانده باشد توجه به اخبار بکشد که پس از فرار دیکتاتور سوموزا و جانشین او پیروزی و ورود ساندنیستا به پایتخت هنوز خبر میرسد که بقایای گارد سوموزا در گوشه و کنار جنگ را ادامه میدهند آنها که کشته و مستگیر یا تسلیم شده اند تا آخرین تشنگ چنگیده اند.

اینست که با آن سابقه مبارزه جانشینان سوموزا یعنی رهبران ساندنیست در شروع بدست گرفتن قدرت مواضع خود را نسبت به مسائل میترانند قاطعانه اعلام کنند قاطعانه پیش بروند و با تکیه به کارهایی که تبارک دیده اند بدون ترس و واهمه از سخت و ناپسند این و آن و مخالفتی تا بجا به سازمان دادن کارها و روابط داخلی و خارجی خود بپردازند.

وقتی که در روزهای پیش از بیست و یکم بهمن ماه گذشته و با حضور بهخیر بر صندلی نخست وزیری آقای مهندس بازرگان فرمان نخست وزیری خود را از امام دریافت کرده خوانندگان جنبش سرفاله مرا میدیدند با عنوان دولت فضا و تقوا که صفی حقیقی و واقعی برای مهندس بازرگان و دولت ایشان بود در برابر دولتهای گذشته درست است که زندگی مهندس بازرگان سراسر در مبارزه با فساد و ظلم و دیکتاتوری گذشته است درست است که شهرت او به فضیلت و تقوی او و پیران اوست ولی آیا سابقه مبارزه ای و تاریخ مبارزه مردم ماحیه ظلم و فساد و استبداد جمعیت و سازمان و تمرکز را که لازمه تشکیل دولتی با قاطعیت و مواضع مشخص در برابر مسائل داخلی و خارجی و اقتصاد و برنامه ریزی و گرفتاری های اجتماعی باشد به مهندس بازرگان و دولت او بخشدیم بود؟

این حقیقت را خود مهندس بازرگان در مصاحبه هفته پیش به نوعی که برخاسته از پیش خاص او نسبت به مسائل و مشکلات است بیان کرد.

مهندس بازرگان تغییرات ناگهانی رژیم ما را به سه دسته تقسیم کرد اول انقلابات اجتماعی یا پیشگیری حزب و مبارزه حزبی که انقلاب چین و روی کار آمدن هیئت را در این زمینه در یک دسته بندی نموده ای قرار داد. دوم کودتا که کودتای عبدالناصر و زبختان را نموده آورد و سوم انقلاباتی مثل انقلاب ایران که همه گروهها و طبقات اجتماعی و صاحبان مسلک های مختلف با جلای رهبری

### به کجا می رویم؟...

#### بقیه از صفحه اول

امام خمینی در آن شرکت کردند و دولت برگزیده رهبر انقلاب روی کار آمد.

مهندس بازرگان دو گروه اول یعنی انقلاب و کودتا را صاحب قدرت و تمرکز در اجرای برنامه های خود دانست که مورد تأیید جمعی هستند و انقلاب ایران را دارای روحیه تخریبی علیه ظلم و فساد و استبداد خواند که همه قدرتها و سازمانها را شکست و در هم ریخت بی آنکه سازمان جانشین را در اختیار داشته باشد.

این هم یک جور تعبیر و توجیه ناتوانی دولتی است شاید از جهاتی قابل قبول باشد ولی از جهاتی دیگر و منطقی تر هرگز قابل قبول نمیتواند بود.

رئیس دولت اظهار کرد که برای چه جنگ آوردن لقمه ای از قدرت لازم برای اداره امور، گروه وار بر سر سفره امام رفته اند و صبرمعه کرده اند. اما از سه پیشنهادی که برای ایجاد تمرکز و حرکت و قدرت کافی در میان بوده است اولی و دومی را که رفتن دولت و رفتن کمیته ها و شورای انقلاب بوده است عملی ندانسته اند و به قول اهل علم جمع بین دو نظر را احرطه دانسته اند یعنی طوری که نه سیخ سوزد و نه کباب شورای انقلاب را در امور اجرایی مخالفت دهند و سلسله مراتب لازمه کارهای اجرایی را به وجود آورند ابتدا تصور کردیم که دولت منتهای هوشیاری را به کار بسته و ضمن معرفی شورای انقلاب به مردم تا بداند چه کسانی در عمل و ارت قدرت انقلاب آنان شده اند دست شورای انقلاب را در امور اجرایی بند کرده اند تا آنان را با مشکلات و موانع کارهای اجرایی آشنا کنند. اما کور خوانده بودیم چون یکی از اهدافی شورای انقلاب طاقی بنی صوره و رود خود را به کار میگردید به شرایطی کرد و دیگری طاقی دکتر پافسره را دوست بعد در تلویزیون دیدیم که گفتند پذیرفتن معاونت وزارتخانه ها دلیل ورود ما به کارهای اجرایی (و در نتیجه تبعیت از سلسله مراتب قدرت) نیست. ایشان اعلام کردند من که معاونت وزارت آموزش و پرورش را پذیرفته ام قبلا وزارت سه وزارتخانه را که میخواستند یک کاسه کنند و به من بدهند نپذیرفتم یعنی رفتن ما به معنی نظارت و مخالفت مستقیم تر و صریح در کارها و برنامه های اجرایی است بی آنکه مسئولیت عوالمش را به عهده بگیریم.

اما باین وضع و موقعیت نظری کوتاه بر عوارض تقسیم قدرت در دوران حساسی که باید برنامه های معین و مدون و روشن با جلای برای اکثریت قدرتها و جود داشته باشد با توجه به چند واقعیه روزمره شاید کمک به شناسایی حقیقت اوضاع و احوال بکند.

آقای نخست وزیر در همان مصاحبه معروف خود از واقعیه فردگاه مهرآباد اظهار تأسف کرد از واقعیه ای که آقای شیخ محمد منتظری قهرمان آن بود این ایراز تأسف تاییدی بود بر حکم مقامات انقلابی و دادگستری برای

اگر بخواهیم از همین نمونه های پیش پا افتاده از میان شهرها و مطهرجات و دستگاههای خبری درآوریم دهها نمونه را در هر روز می توانیم بر سر درآوریم همین اخبار هم هنوز دست کم یک دستگاه خبرگزاری مجهز توانسته ایم راه بیندازیم در حالیکه همان دستگاه خبرگزاری عربی و طویل پارس را همانا حفظ کرده ایم و یک خور و دادرده در روزنامه مختلف به ده نوع مختلف می خوانیم که نمی دانیم چه میخوانیم.

تازه همه اینها دورنمای می گذرد و از آنچه در گذشت و بسیار هم هوشیارانه مواضع خود را در برابر مسائل اعلام داشته اند و از جمله مهندس بازرگان و بعضی همکارانشان را از نظر شخصی آهنگهای خبری معرفی کرده اند ولی در کار سیاست آنان را آلت دست صهیونیسم بین المللی نشان داده اند. چند روز بعد دادگاه انقلاب پرونده ایشان را از قاضی دادگستری خواسته است که با مقاومت قاضی روبرو شده است و عقبت کسی نمی داند که دولت باید آقای منتظری را به پای میز محاکمه بخواند تا حقایق روشن شود یا ایشان دولت را؟ و بالاخره کدام زورشان خواهد رسید و حق با کیست؟

دکتر لاهیجی وکیل سعادت پس از کوشش بسیار اجازه از دادستان کل انقلاب گرفته است تا موکل خود را در زندان اوین ملاقات کند. این وکیل که سابقه دفاعیات او از زندانیان آزادیخواه در دوران طاغوت بر هسگان روشن است اظهار می دارد که مامورین زندان اوین نه تنها دستور دادستان انقلاب را نمی شنیدند و او را راه ندانند بلکه اظهار می کند که ماموران ساواک و ماموران فرمانداری نظامی و شهریانی دوران طاغوت نیز با ایشان چنین رفتار خلاف تزاکی را نداشته اند که ماموران انقلابی

مشاور وزیر آموزش و پرورش اعلام می کند که سال آینده تمام مدارس با شهریه اندک دولتی نام نویسی خواهند کرد. اما بلافاصله مقامات دیگری این حرف را تکلیف می کنند و در تأیید مدارس ملی اطلاعیه می دهند.

در روز سی ام تیر مردم مبارز تهران اجماع می کنند و انقلاب اسلامی ایران را با تأیید سخنرانی آیت الله طالقانی تأیید می نمایند ولی در طول اظهارات و پس از آن عده ای با شعار انقلاب اسلامی به آنان حمله می کنند و اطراف چنین جراتی تا آنروز هیچ دادستان و دادخواه و مامور انتظامی حلفا صلی وجود ندارد.

از شرکت ملی نفت خبر می رسد که مدیر عامل شرکت جنوری ناموزون حقوق و مزایای جمعی از کارمندان را در جهت رفع تبعیض اصلاح کرده است ولی عده ای به نام کمیته تبلیغات برای نگرفتن یا نادان افسانه حقوق و رفع تبعیض و کم کردن فاصله زیاد حقوقی بین مهندسی و تکنیسین ها تبلیغ می کنند و بین کسانیکه حقوق خود را می خواهند زمره اعتصاب راه می اندازند.

این دو سه نمونه کوچک از تعارضات رفتاری گروهها و افرادی بود که همه به نام انقلاب اسلامی و انقلابی حرف می زنند و عمل می کنند والا می رویم؟...

## گفتگویی با آندره سیناوسکی

همانطور که خوشی می گفتم و گرنه بدون شک در سال ۱۹۳۷ تیرپران می گردید پدرم مطلقا مرا با روحیه مخالف رژیم کمونیست بازپارور بود البته در حالت بی انقلابی نمی توانست استانی را دوست داشته باشد اما در چنگی می فهمیدم که برای پدرم علیرغم ناتوانی ها و معایب، مسائل اصولی به انجام رسیده بود یا حداقل انجام گرفته بود. من همین منتظر را در طین مهاجرت باقی بمانم و جدت اغلب سطرانی می شود که چشمها را نسبت به این یا آن بی لیاقتی و ناتوانی به بندد تا چشمه مشترک حقیقی شود در این وضع جبهه ضد سوسیالیسم است معتقد اما منتظر حلیت است که بود چون من همین مکتب بزرگ شده ام و چون نوامد و مقرراتش را از خط می خطم با آن مخالفت می نمایم. بچه کار می آید که جبهه جدیدی بسازیم که ضد سوسیالیسم باشد ولی در عین حال مسطور بسته و همانگونه محافظه کار باشد مانند جبهه سوسیالیست در این باب واقعا ما کودکان همان رژیم سوسیالیست هستیم.

آخرین سؤال: چون چه منظوری برای شما دارد؟

من به عنوان یک نفر روشنفکر سوسیالیست جواب می دهم: من مرتزده ما عکس العمل های کلاسیک منسوب می آورم زیرا - چون گذشته خود ما می باشد یک تقلید مسخره ای از گذشته استالینی مد وقتیکه فرودگاه بودم. که کمدب تقسیم گرفت به سطح غربی ما برسد و از ما سؤالات بی انتهایی نمود تا افکار عمومی گولاک را بشناسد من از جواب دادن به تمام این نوع سؤالات خوارگی کردم؛ ما که چیزی را منقذ نمی دانیم چه چیزی شما را خواهد داد؟ آیا سرخ می شویم و رنگ می بزنیم؟ مستجابان خواهد لرزید؟ عبارات زائد را خط بزنید ولی دوستی داشته ام که به یکی از سؤالات پاسخ دادم: سؤالی این بود ما که جنگی بلورج میبوند شما کدام طرف را خواهید گرفت؟ وی جواب داد: ما که جنگی با این در پیگرد من طرف شما خواهیم بود و اگر جنگی با غرب واقع شود من طرف غرب را خواهم گرفت.

نگاه کنید به اتوبوسی سولونیسم روسیه را در سالی مانند اتوبوسی زمان نیکوس ترسیم می نماید کشوری مذهبی، ایده آل، دارای یک سلطان خراب ولی می بینم که خلفا این اتوبوسی ایده آل در گره سوسیالیسم می افتد و این اتوبوسی ضعیف که مسول تمام این جز و جچال ها است و به ما مارکسیسم و بقیه چیزها را داده است پلی همیشه پایدار است؟

وقتی که در آغاز سولونیسم مهاجرت که یک رستاس روسی دور روسیه در حال تکوین است به خط می افتد مطمئنا روشنفکران شروع کرده اند به دعا کردن به خواندن بعضی کتب ولی وقتیکه آترا با پنده روستای ایالتیایی مقایسه می کنیم...

آیا مذهب برای شما لایقیت دارد؟

بله ولی من آترا از مسائل اجتماعی جدا می مانم و همیشه آترا تو سوسیالیسم برای من مذهب موضوعی است خصوصی؛ یعنی است هرتوی، داخلی و خیلی می ترسم که دور روسیه آترا به سازمان اجتماعی ایده آل میل نمایند. باری ترجیح می دهم که اشخاص را به نام فلس و چکن بکشد تا نام صلیب

آیا شما لودنکی هستید؟

من خیلی دیر به این سئوال رسیده ام، در چنگی تمید شده ام. لامذهب بوده ام، هیچ اعتقادی به مراسم مذهبی ندارم و به قدرت به کلیسا می رود، زیرا از عهده مذهبی می ترسم، با این وصف بله من لودنکی هستم. این انتخاب منطقی نیست چیزی است که از فرود می آید نمی مانم چرا من یک نفر روس نباید لودنکی باشم. مشرکتی همین جبهه داشته باشم و چرا مثلا باستی

